

# مبلغان

سال بیست و چهارم

مآخذ اطلاع رسانی پژوهشی و آموزشی

رجب المرجب ۱۴۴۴ ق - بهمن و اسفند ماه ۱۴۰۱ ش



معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

# روش‌های مهار خشم دیگران

## در سیره امام کاظم علیه السلام

داود رجبی‌نیا\*

### اشاره

سبک زندگی معصومان علیهم السلام مملو از راهکارهای مقابله با این بلای فراگیر است. این نوشتار به مناسبت میلاد حضرت ابوالحسن امام کاظم علیه السلام (در روز ۷ صفرالخیر سال ۱۲۸ق)، به سیره اخلاقی و رفتاری آن حضرت می‌پردازد تا روش‌های مقابله و مهار خشم خود و دیگران را از این امام بیاموزد. امامی که به سبب مقابله و مدیریت خشم خویش، به «کاظم»؛ یعنی کنترل‌کننده غضب و فروخورنده خشم، مشهور گشته است.

دنیا عرصه فشارها و اضطراب‌هاست و گویا هرچه مظاهر تمدنی و رفاه، بیش‌تر می‌شود، بر دامنه ناآرامی‌ها افزوده‌تر می‌گردد. مبلغان به سبب حضور در میان اقشار مختلف مردم و نیز نداشتن مسئولیت اجرایی، در خط مقدم تنش‌ها، اعتراض‌ها، حمایت‌های اجتماعی و استرس‌ها قرار دارند. بنابراین، مبلغ موفق باید در برابر چالش‌های فردی و اجتماعی بر خود مسلط باشد و درونش را به ساحل طمأنینه برساند و این سکون را در بیرون نشان دهد و تلاش کند مخاطب را نیز به آرامش و قرار برساند.

\*. دانش‌آموخته سطوح عالی حوزه علمیه قم

## غریزه خشم

خشم به معنای غضب است و آن به معنای دشمن داشتن کسی ممزوج با حس انتقام گرفتن از اوست.<sup>۱</sup>

این صفت برای دفاع از خود و پاسداری از حق در نهاد انسان گذارده شده؛ اما اگر از محور اصلی خویش خارج گردد، به یکی از رذایل بزرگ تبدیل می شود و رذایل مهم دیگری را نیز با خود به همراه می آورد.

به واسطه خشم، انسان برای بقای خویش در برابر ناملایمات کوشیده، به بازسازی و آبادی دنیا و آخرتش مشغول می شود. جهاد با دشمنان، حفظ نظام بشر، امر به معروف و نهی از منکر، اجرای تعزیرات، دفاع از جان و مال و مبارزه با دشمن، فقط به کمک و یاری این غریزه ممکن می شود و اگر غریزه خشم نبود، بشر رو به نابودی و تباهی می گذاشت.

از طرفی دیگر، همین نیروی حیاتی و غریزی می تواند ویران کننده نیز باشد، تا حدی که بر انسان غلبه کند و اعمال و

کردار فرد از کنترل و تبعیت عقل و دینش خارج شود.

اسلام خشم را ذاتاً بد نمی داند، بلکه خشم های مقدّس را می ستاید. اساساً خشم مقدس یکی از صفات الهی است که در اسامی خدا با نام های «قهار» و «جبار» به آن اشاره شده؛ ولی شرط این نوع خشم ها در زندگی انسانی، ظلم نکردن است.

امام باقر علیه السلام در مورد ویژگی های شیعیان می فرماید: «إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا؛<sup>۲</sup> هرگاه خشمگین می شوند، ستم نمی کنند».

## امام کاظم علیه السلام و مهار خشم

۳۵ سال امامت بر مردم در عصر خلفای عباسی (منصور، مهدی، هادی و هارون الرشید)؛ صفاتی هم چون صبور، امین و کاظم از امام موسی بن جعفر علیه السلام به یادگار گذاشت.

آن حضرت حوزه علمیه امام صادق علیه السلام را در راستای مقابله با انحرافات خوارج، مرجئه، معتزله و سایر فرق ضالّه

۱. لغت نامه دهخدا، ذیل کلمات خشم و غضب.

۲. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، ترجمه: حسن حسن زاده، نشر آل علی علیه السلام، قم، ص ۵۳۴.

قرار داد و دست کم ۳۰۰ راوی از وی حدیث نقل می‌کردند.

اگرچه همه معصومان علیهم‌السلام فروخورنده خشم بودند؛ ولی امام کاظم علیه‌السلام به سبب حضور در زمانه‌ای خاص، در مقابله با حکمرانی‌ها و انحرافات گوناگون، زندگی و تبلیغات دینی خود را به نحوی مهندسی کردند که در این عرصه، برجسته و شاخص شدند. امامی که باور داشت: «مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> هر کسی خشم خود را از مردم بازدارد، خداوند عذاب خود را در روز قیامت از او باز می‌دارد.

مطالعه سیره اخلاقی و رفتاری امام کاظم علیه‌السلام با افراد تندخو، الگوی بسیار خوبی جهت کسب آرامش و مدیریت خود و دیگران در مواقع خشم و عصبانیت است که به یقین می‌تواند راهکارهای کارآمد و مناسبی را برای خویشتن‌بانی در دنیای پراسترس ارائه دهد.

امام کاظم علیه‌السلام در بر خود با دیگران، به‌ویژه هنگام خشم دیگران به پاسخ منطقی و علمی روی می‌آوردند و با استفاده از جایگاه خود و پیشینه کارکرد خانوادگی، در کنار روش‌های تغافل، با عوض کردن میدان‌های ارتباطات انسانی به جای تقابل، به تعامل می‌پرداختند و در عین حال، از پذیرش عذر دیگران غفلت نکرده، گاهی به صورت غیرمستقیم به جای مواجهه تند با دیگران، با خود برخورد می‌کردند تا مخاطب به آگاهی و هدایت برسد. در این نوشتار، به شرح و بیان روش‌های یادشده می‌پردازیم.

### روش‌های مهار خشم دیگران

در ذیل به برخی از روش‌های مهار خشم اشاره می‌گرد.

#### ۱. پاسخ منطقی، علمی و مستند

زمانی هارون الرشید، امام کاظم علیه‌السلام را فراخواند زیرا به سبب سعایت دیگران و نسبت‌های ناروایی که متوجه امام کرده بودند، از ایشان خیلی عصبانی بود، از آن حضرت سؤالات مختلفی پرسید و امام

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، به کوشش: علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۵.

به صورت منطقی، علمی و بدون خشم، پاسخ فرمودند و او را آرام کرده، حتی تحسین او را برانگیختند.

در منابع تاریخی و روایی از آن جلسه مباحث بسیاری مطرح شده که در گوشه‌ای از آن، امام از هارون پرسید: چرا شما شیعیان خود را باز نمی‌دارید از این که به شما می‌گویند «یابن رسول الله!»؟ با این که شما فرزندان علی و فاطمه هستید؛ چون فرزند به پدر نسبت دارد، نه مادر؟ فرمودند: اگر امیر صلاح بداند، مرا از جواب این سؤال معذور دارد. گفت: امکان ندارد، باید جواب بدهی! فرمود: پس امان می‌دهی که مرا کیفر نکنی؟

گفت: در امان هستی! فرمود: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدِيْنَا وَنُوحًا هَدِيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نُجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَ

إِلْيَاسَ كُلِّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾<sup>۱</sup>؛ پدر عیسی کیست؟ هارون گفت: عیسی پدر نداشت؛ بلکه به اراده خدا و روح القدس خلق شد. امام فرمودند: همان طوری که طبق این آیه عیسی از طرف مادر جزء فرزندان انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ شمرده شده است، ما نیز به واسطه مادرمان جزء فرزندان نبی خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم، نه از طرف پدر. هارون گفت: آفرین! باز بیش تر برایم بگو!

فرمود: تمام امت، از خوب و بد اجتماع دارند در داستان کسانی که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به مباحله دعوت کردند، در زیر کساء جز پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی، فاطمه، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نبودند؛ ولی خداوند می‌فرماید: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ﴾<sup>۲</sup>؛ «پس کسانی که درباره عیسی - بعد از آن که آگاهی برای تو حاصل شده و به برهانی که همگان را کافی است دست یافتی - با تو محاجه

۱. انعام / ۸۴ و بخشی از ۸۵؛ (و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از این راه نمودیم، و داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را که از ذریه نوح اند هدایت کردیم. آنان از نیکوکاران بودند و ما نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را) نیز هدایت کردیم، همه از شایستگان بودند).

۲. آل عمران / ۶۱ (آیه مباحله).

۱. انعام / ۸۴ و بخشی از ۸۵؛ (و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از این راه نمودیم، و داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را که از ذریه نوح اند هدایت کردیم. آنان از نیکوکاران بودند و ما نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را) نیز هدایت کردیم، همه از شایستگان بودند).

۲. آل عمران / ۶۱ (آیه مباحله).



کنند و بر الوهیت او اصرار ورزند، بگو: بیایید ما پسرانمان را فراخوانیم و شما پسرانتان را و ما زنانمان را و شما زنانتان را و ما خودمان را و شما خودتان را، آن‌گاه دعا کنیم و لعنت خدا را بر آن گروهی که در دعوت خود دروغ‌گویند قرار دهیم؛ تأویل «ابناء» حسن و حسین علیهما السلام بوده و منظور از زنان، حضرت فاطمه علیها السلام و مراد از «نفس» علی بن ابی طالب علیه السلام. هارون گفت: آفرین.<sup>۱</sup>

## ۲. استفاده بهینه از جایگاه و پیشینه خود

شخصی به نام «نفع انصاری» به در خانه هارون الرشید آمد. در همین موقع امام کاظم علیه السلام که بر الاغی سوار بود، رسید. دربان به امام احترام شایسته‌ای کرد و با عجله برای او اجازه ورود خواست. نفع از «عبدالعزیز بن عمر» پرسید: این پیرمرد کیست؟ گفت: این بزرگ‌ترین اولاد ابی طالب و از اولاد محمد صلی الله علیه و آله موسی بن جعفر علیهما السلام است. گفت: من از این بنی عباس عاجزتر ندیده‌ام. این قدر نسبت به شخصی که

قدرت ندارد آن‌ها را از سریر سلطنت به زیر آورد، احترام می‌کنند. وقتی از پیش هارون خارج شود، به او توهین خواهم کرد. عبدالعزیز گفت: این کار را نکن! این‌ها خانواده‌ای هستند که کم‌تر کسی متعرض آن‌ها شده که ننگی برای خود تا ابد برجای نگذاشته باشد. وقتی حضرت خارج شد، نفع انصاری لجام الاغ امام را گرفت و با بی ادبی گفت: که هستی؟ امام فرمودند: اگر منظورت نژاد است، من پسر محمد، حبیب الله و پسر اسماعیل ذبیح الله و پسر ابراهیم خلیل الله علیهم السلام هستم و اگر منظورت وطن من است، همان محلی است که بر مسلمانان و تو - اگر مسلمان باشی - لازم است زیارت و حج در آن محل و اگر منظورت این است که بر من فخر کنی، به خدا قسم بی‌دین‌های قوم من راضی نشدند با مسلمانان قوم تو هم طراز باشند که گفتند: یا محمد! برای مبارزه با هم طرازان خودمان را از قریش بفرست! اگر منظورت آوازه و شهرت است، ما کسانی هستیم

۱. زندگی امام موسی کاظم علیه السلام (ترجمه بحارالانوار)، علامه مجلسی، مترجم: موسی خسروی، نشر اسلاهیة، تهران، ص ۱۰۶.

که خداوند واجب کرده بر ما در نمازها صلوات بفرستند. می‌گویی: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد»، ما همان آل محمد هستیم. حال الاغ مرا رها کن. نفع لجام مرکب را رها کرد، در حالی که دستش به ریشه افتاده بود، با کمال خواری به راه خود ادامه داد. عبدالعزیز به او گفت: به تو نگفتم؟<sup>۱</sup>

این برخورد امام نشان می‌دهد که می‌توان از فضایل و مناقب شخصی و خانوادگی و حتی از جایگاه علمی و سابقه خود به نحوی استفاده کرد که هم پاسخ مخاطب داده شود، هم به شبهات مرسوم و هم جهاد تبیینی به‌روز انجام داد. این رویکرد در دفاع از انقلاب اسلامی نیز می‌تواند روش مناسبی برای نشان دادن کارکردهای نظام و کارآمدی آن باشد.

### ۳. تغافل و گشودن میدانی دیگر برای تعامل

گاهی امام کاظم علیه السلام بدون توجه به عامل خشم، با تغافل در برابر توهین دیگران و غضب فرد غضبناک، میدان و عرصه دیگری برای تعامل پدید می‌آورد، سپس آن میدان جدید ارتباطی را به نحوی

مدیریت می‌کرد که مسائل قبلی را نیز پوشش می‌داد.

مردی از نوادگان خلیفه دوم همواره امام کاظم علیه السلام را اذیت می‌کرد و هرگاه با آن حضرت روبه‌رو می‌شد، لب به ناسزاگویی ایشان و حضرت علی علیه السلام می‌گشود. زمانی یاران امام عرض کردند: اجازه دهید او را ادب کرده، به سبب جسارتی که به شما روا داشته، به قتل برسانیم. حضرت ایشان را از این کار بازداشتند، سپس نشانی منزل و محل کار او را - که بیرون از مدینه به کشاورزی مشغول بود- جویا شده، خود به آن جا رفتند و با مرکب وارد مزرعه وی شدند. آن مرد فریاد زد: زراعت مرا پایمال نکن. امام به سر و صدای او توجه نکرده، همچنان پیش آمدند تا به وی نزدیک شدند، سپس از مرکب فرود آمده، کنار او نشستند و با تبسم فرمودند: برای این مزرعه چقدر خرج کرده‌ای؟ گفت: صد دینار. فرمود: چه مقدار امید سود داری؟ پاسخ داد: غیب نمی‌دانم. فرمود: گفتم چقدر امید داری؟ عرض کرد: دویست دینار. امام کیسه‌ای که محتوی ۳۰۰ دینار بود، به



وی داد و فرمود: این را بگیر، زراعت هم از آن خودت. مرد برخاست و سر امام را بوسید و از حضرتش خواست از لغزش‌های وی درگذرد. امام تبسمی کرد و به مدینه بازگشت. چند روز بعد که امام به مسجد رفت، دید آن مرد در مسجد نشسته است؛ چون چشمش به حضرت افتاد، این آیه را خواند: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾<sup>۱</sup> «خداوند آگاه‌تر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد».

یاران آن مرد با شگفتی پرسیدند: داستان تو چیست؟ تو که پیش از این به او بد می‌گفتی. او با دوستانش به ستیزه برخاست و امام را دعا کرد. امام نیز به یارانش که پیش از این قصد کشتن او را داشتند، فرمودند: کدام روش بهتر است؛ قصد و نیت شما یا رفتار من که با مبلغی پول او را اصلاح کردم؟<sup>۲</sup>

#### ۴. پذیرش عذرخواهی

بسیار اتفاق می‌افتاد که امام موسی

بن جعفر علیه السلام پاسخ خشم‌ها، بدی‌ها و ناسزاگویی‌های افراد نادان را با نیکی و احسان می‌دادند<sup>۳</sup> و به راحتی و بدون مٔت، عذر دیگران را می‌پذیرفتند و نه تنها خود در برخورداری از این صفت، بی‌نظیر و سرمشق دیگران بودند؛ بلکه به لحاظ ارحمندی و اهمیت آن، تخلق به پذیرش عذر دیگران و فروخوردن خشم را به بستگان و فرزندان خویش توصیه می‌کردند.

«ابن صباغ مالکی» نقل می‌کند: روزی موسی بن جعفر علیه السلام فرزندانش را گردآورد و به آنان فرمود: فرزندان من! سفارشی برای شما دارم که اگر آن را مراعات کنید، سود خواهید برد؛ اگر کسی نزد شما آمد و در گوش راستان چیزی که ناخوشایند شما بود گفت، سپس از ناحیه گوش چپتان عذرخواهی کرد و گفت که من چنین چیزی نگفتم، عذر او را بپذیرید!<sup>۴</sup>

۱. انعام / ۱۲۴.

۲. اعیان الشیعة، دارالتعارف، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۷؛ تاریخ بغداد، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ص ۲۸.

۳. اعلام الوری، آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۹۶؛ اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۷.

۴. الفصول المهمة، ابن صباغ، المجمع العالمي لاهل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم، ۱۴۳۲ ه ق، ص ۲۳۸ به نقل از: زندگی امام کاظم علیه السلام، علی رفیعی، ص ۳۵.